

گسترهٔ حجاب در قرآن



فرزانه غفاری

چکیده

مسأله حجاب و پوشش زن و حفظ حریم عفاف مرد و زن در اسلام مورد توجه بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. آنچه مسلم است زنان نیز با رعایت پوشش مناسب می‌توانند دوشادوش مردان در جامعه در عرصه‌های مختلف فعالیت کنند. زن مظهر جمال و زیبایی است و خداوند حکیم که موهبت زیبایی و جذابیت گفتار و رفتار را به جامعه زنان ارزانی نموده است، همو نیز تدبیری برای محافظت از آن موهبت شگرف الهی اندیشیده است. در این راستا خالق هستی برخی توصیه‌ها بر زنان و برخی توصیه‌ها نیز هم بر زنان و هم بر مردان ارائه فرموده است. رعایت دستورات الهی درباره پوشش زن و حفظ عفاف عمومی یکی از راهکارهای موثر در حفظ سلامت جامعه و پیشگیری از فساد و انحطاط اخلاقی در قرآن است.

کلید واژه‌ها: حجاب، عفاف، زن، جامعه، قرآن.

مسأله حجاب و پوشش زن موضوعی است که از دیرباز در بین ملت‌ها مطرح بوده است. در اسلام نیز رعایت پوشش اسلامی امری ضروری است و به لحاظ ویژگی‌های جسمانی و رفتاری زنان، مسأله رعایت حجاب برای آنها در دامنه وسیع‌تری مطرح می‌گردد. اما این به معنای حبس و زندانی کردن زنان، تضييع شخصیت و یا زیرپاگذاردن حقوق آنها نیست. در قرآن کریم آیات متعددی درباره همسانی حقوق زن و مرد وجود دارد.^۱ چنانکه در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران نیز درباره پایمال نشدن پاداش مربوط به اعمال صالح و شایسته زنان و مردان مؤمن چنین آمده است: «همانا من پاداش اعمال هیچ مرد و زن (مؤمنی) را پایمال نمی‌کنم».

آنچه مسلم است این است که رعایت حجاب از جانب بانوان عامل از بین رفتن حقوق آنها و پایمال شدن اعمال شایسته آنها و نیز سلب آزادی متعارف آنها در اجتماع نمی‌گردد. زنان نیز همانند مردان می‌توانند به فعالیت‌های سالم اجتماعی خود پردازند و جامعه را دوشادوش مردم به سوی سعادت و خوشبختی سوق دهند و استقلال شخصیتی و اجتماعی و یا اقتصادی خود را نیز حفظ نمایند: «برای مردان از آنچه خود به دست می‌آورند نصیب و بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه خود به دست می‌آورند نصیب و بهره‌ای است» (النساء، ۳۲/۴). و از آن جایی که در دین مبین اسلام وعده رسیدن به سعادت و خوشبختی فردی و اجتماعی انسان‌ها با انجام دستورات و قوانین اسلامی داده شده است، بنابراین برای نیل به این آرمان تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و هر یک از آنان موظف است که وظایف شرعی و دینی خود را به خوبی و به نحو شایسته انجام دهد تا به سعادت و خوشبختی حقیقی دست یابد. «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد باشد یا زن - و او مومن باشد ما او را در زندگی سعادت‌مند می‌سازیم و به تناسب بهترین اعمال و شایسته‌ترین کارهایشان به آنها پاداش می‌دهیم» (النحل، ۹۷/۱۶).

از این جا به خوبی روشن می‌شود که هدف از این دستورات رعایت مصالح بشر است خواه زن یا مرد و این قوانین و دستورالعمل‌ها بر پایه تبعیض و تفاوت میان زن و مرد بنا نشده است بلکه بنا به اقتضای جسمی و روحی هر کدام دستورات ویژه و یا مشترکی صادر شده است. اگر آنها به انجام آن پایبند باشند خداوند متعال برای هر کدام وعده نیک

داده است و اگر قرار بود که به جای عدالت میان آن دو تبعیض وجود داشته باشد می بایست همه تکالیف دشوار برای زن و هیچ وظیفه‌ای برای مرد مقرر نمی شد و یا برعکس عمل می شد. اگر رعایت پوشش و حجاب اسلامی از وظایف ویژه زن تعیین شده است از این جهت است که زن مظهر جمال و زیبایی است و از خصوصیات خاصی در گفتار و رفتار و حرکات و سکنت برخوردار است از این رو به هنگام خروج از خانه و فعالیت در اجتماع و اختلاط با مردان بیگانه لازم است که در حد مقرر این جمال و زیبایی را پوشاند. و این بدان معنی نیست که آنها نباید از خانه خارج شوند و نباید در زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... فعالیت کنند بلکه باید اذعان داشت که فلسفه حجاب همان حضور زن در جامعه است و او با رعایت پوشش اسلامی می تواند آزادانه به فعالیت سازنده بپردازد. در حقیقت پوشش زن بدین معنی است که او با معاشرت خود با مردان بیگانه خود را پوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد و برای حفظ جامعه‌ای سالم و پرنشاط و دور از هر گونه آلودگی و سستی چنین دستوراتی را مقرر کرده است که با انجام و اطاعت از آنها فرد در زمره مردان و زنان مؤمن قرار می گیرد و از بندگان مقرب خداوند به شمار می آید: «خداوند به مردان مؤمن و زنان مؤمن بهشت‌هایی را وعده داده است که جوی‌هایی در آن جاری است و اینان همواره در آنجا به سر می برند» (التوبة، ۹/۷۲). در مقابل، سرپیچی از دستورات پروردگار که به نفع بشریت و به صلاح آنها وضع شده است، و عمل نمودن به ذوق و سلیقه شخصی، موجب گمراهی افراد می گردد. «هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی نباید به هنگامی که خدا و پیامبرش (ص) در کاری حکمی دادند، در کارشان اختیاری باشد. هر کس که از خدا و پیامبرش (ص) نافرمانی کند بی شک در گمراهی آشکاری قرار می گیرد» (الأحزاب، ۳۳/۳۶).

از این رو رعایت حجاب و عفاف که یک مسأله اجتماعی و عمومی است و نه فردی، الزامی است و نباید در آن اختیاری باشد. در این مقاله به بررسی فلسفه حجاب و حدود آن در اسلام از دیدگاه قرآن به اختصار پرداخته می شود.

فلسفه حجاب در اسلام

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی و اساسی ریشه می‌گیرد. اسلام می‌خواهد التذاذهای جنسی، چه بصری و چه حسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کار ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. فلسفه حجاب از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. بعضی جنبه روانی و بعضی جنبه خانوادگی و بعضی دیگر جنبه اجتماعی دارد و در نهایت هدف اصلی آن بالابردن مقام و ارزش زن و توجه به تکریم و احترام نسبت به او و نیز جلوگیری از ابتذال اوست که در این زمینه تألیفات و تحقیقات بسیاری وجود دارد.^۲ و در اینجا به اختصار به ذکر نکاتی چند پرداخته می‌شود. در زمینه آرامش روحی و روانی باید گفت که نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و به صورت یک عطش سیری‌ناپذیر روحی در می‌آورد.

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل نموده، و تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده و احکام و دستوراتی در این باره مقرر نموده است که رعایت حجاب یکی از این موارد است. و در زمینه خانواده و استحکام پیوند خانوادگی نیز باید اذعان داشت که هر چیزی موجب تحکیم آن و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. از این رو محدود کردن مسائل جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زوجین را محکم می‌سازد و همسر قانونی فرد از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار می‌رود. حفظ پوشش و حجاب در هنگام حضور در جامعه و منع کامیابی جنسی دیگران از این طریق می‌تواند خود موجب تحکیم روابط زوجین گردد. مسأله مهم بعدی استواری اجتماع به واسطه حجاب است. کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند و افراد انگیزه نشاط و فعالیت خود را از دست می‌دهند

و زمینه شیوع فساد و فحشاء در جامعه به تدریج ایجاد می شود و در رد ادعای این که حجاب موجب فلج شدن و از بین رفتن نیروی نیمی از افراد اجتماع است و تحریک و تهییج بی حساب غریزه جنسی عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ های زودرس و پیری و فرسودگی نیز دارد.

اگر حجاب زن به معنای زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و غیر آن باشد آن وقت است که موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست در حالی که اسلام نگفته است که زن از خانه بیرون نرود و یا زن حق تحصیل علم و دانش را ندارد و یا هر گونه فعالیت اقتصادی را برای زن تحریم کرده باشد. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین - صورت و دو دست - مانع هیچ گونه فعالیت هنری، اجتماعی و... نیست و بر عکس آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع می شود آلوده کردن محیط کار به التذاذهای شهوانی است. علاوه بر اینکه حجاب موجب بالا رفتن ارزش و احترام زن در جامعه می گردد، اسلام تأکید دارد که زن هر اندازه متین تر و باوقارتر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای دیگران قرار ندهد بر احترامش افزوده می شود.^۳ حضرت علی^(ع) در این باره فرموده است: «حفظ - حجاب و عفت - زن به حال خودش سودمندتر و موجب پایداری بیشتر زیبایی اوست».^۴

وبدین سان زن با رعایت حجاب احساس امنیت و آرامش بیشتر به هنگام حضور در جامعه می کند و در عین حال از تعرض و جسارت سودجویان لایبالی در امان می ماند. مسأله حجاب و مسأله حیا و عفت در جامعه و رعایت عفاف عمومی یک مسأله اجتماعی است نه انفرادی. از این رو در قرآن مسائل متقابلی برای مردان و زنان وضع شده است.

وظایف متقابل زن و مرد در حریم عفاف

در قرآن کریم دستورات مشترکی هم برای زنان و هم برای مردان در حریم عفاف وضع شده است. آیات سوره نور در خصوص شرایط ورود به منازل دیگران و حفظ حریم عفت و عفاف میان زن و مرد چند دستورالعمل را مطرح می سازد: «ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه دیگران داخل نشوید مگر آنکه قبلاً آنان را آگاه سازید و بر اهل خانه سلام کنید، این

برای شما بهتر است باشد که پند بگیرید* اگر کسی را در خانه نیافتید داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود اگر گفته شد بازگردید، بازگردید که پاکیزه‌تر است برای شما. خدا به آنچه انجام می‌دهید دانا است* باکی نیست که در خانه‌هایی که محل سکنی نیست و شما نفعی در آنجا دارید می‌توانید داخل شوید خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را نهان می‌دارد آگاه است» (النور، ۲۴/۲۷-۲۹).

در واقع مسلمانان چه مرد و چه زن به هنگام ورود به خانه‌های مسکونی که محل زندگی خانواده است باید اجازه ورود از صاحب منزل بگیرد ولی ورود به مکان‌های عمومی که فراتر از حریم خانواده است ممانعتی ندارد. و این نشانگر رعایت حیا و عفت خانواده و افراد آن به هنگام ورود افراد بیگانه به خانه‌هاست. نکته قابل توجه بخش پایانی آیه ۲۷ است «این دستور به خیر و مصلحت شماست باشد که پند و اندرز بگیرید» بنابراین اجازه گرفتن از خانواده برای ورود به خانه آنها و نیز اعلام به زنان جهت پوشانیدن خود و رعایت حریم حیا و عفت فلسفه‌ای دارد که به خیر و صلاح مردان و زنان است.

سپس در آیه ۳۰ خطاب به مردان مؤمن در جامعه اسلامی می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو که دیده‌های خود را فرود آورند و پاکدامنی را حفظ نمایند، این برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه‌تر است». در این آیه دستوراتی برای مردان مؤمن مقرر گردیده است. خداوند از وظایف لازم و ضروری برای مردان، نگاه نکردن خیره به زنان نامحرم دانسته است. علاوه بر این که توصیه به پاکدامنی و آلوده نشدن آنها به مسائل شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده می‌کند. در واقع عدم رعایت آن موجب شیوع فساد در جامعه می‌گردد. در این آیه انجام دو وظیفه موجب تزکیه جان و روح و روان می‌شود و از این که بشر همواره درباره مسائل مادی و شهوانی بیاندیشد ممانعت به عمل می‌آید و در پایان آیه تذکر مهمی وجود دارد و آن این است که خداوند از نحوه عمل کرد مردان و برخورد آنها با نامحرمان آگاه و باخبر است و آنها نباید کوچکترین غفلتی در این باره داشته باشند. مردان نباید به ظاهر زنان توجه نمایند و از روی کنجکاوی به آنها خیره شوند بلکه باید به شخصیت و کمالات زن و توانایی‌های گوناگون او توجه کنند و به او با دیده احترام بنگرند و در هنگام برخورد با او به مسائل شهوانی بیاندیشند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «نظر بازی،

تیری از تیرهای شیطان است و چه بسا یک نظر که حسرت طولانی را به همراه می آورد. نظر بعد از نظر شهوت را در دل می رویاند و این برای نظر باز در فتنه انگیختن بس است.^۵ در آیه ۳۱ همین تذکرات به زنان نیز داده شده است: «به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش فرو خوابانند و دامن های خویش حفظ کنند...». قابل توجه است که در این آیه به جز مسأله حجاب و حدود آن که اختصاص به زنان دارد بقیه دستورات همانند دستورات برای مردان است. زنان نیز باید به هنگام روبرو شدن با مردان نامحرم نگاه خود را فرود آورند و به آنها خیره و کنجکاوانه نگاه نکنند و نیز به رعایت پاکدامنی توجه لازم داشته باشند. در واقع وظایف متقابل زنان و مردان در این دو آیه مطرح می شود و بدون هیچ گونه تبعیض و یا از بین رفتن حقوق یکی از طرفین دستوراتی در جهت سلامت روحی افراد و سلامت جامعه صادر نمی شود. چرا که اگر بنای تبعیض وجود داشت باید تمامی دستورات برای زنان و یا فقط برای مردان مقرر می شد در حالی که هر دو گروه موظف به اطاعت از آنها می باشند. در قسمت پایانی آیه فوق چنین آمده است: «... و زنان زیور خویش آشکار نکنند مگر آنچه پیداست و سراندازهای خویش بر گریبان ها بزنند و زیور خویش آشکار نکنند مگر برای شوهران، یا پدران، یا پدرشوهران یا...».

در این قسمت از آیه وظیفه پوشش و حدود آن برای زنان آمده است و اختصاص داشتن آن برای زنان تنها به جهت ویژگی های جسمانی و رفتاری بانوان است که در اسلام با دقت و تأمل خاصی به این مسأله توجه شده است و همه برای حفظ شخصیت زن و محافظت از کیان اوست و این به معنای وجود تبعیض در حقوق آنها نسبت به مردان نیست چرا که اگر هدف چنین بود در خلال تعیین حدود حجاب به مجاز بودن بی حجابی زنان در نزد محارم و در خانواده اشاره نمی شد و حق اختیار و انتخاب از آنان سلب می شد. پس باید نتیجه گرفت که موضوع فراتر از این مسائل و اتهامات است. چنانچه در آیه ۵۹ سوره احزاب چنین آمده است: «ای پیامبر به همسران و دختران و به همسران مردان مؤمن بگو که پوشش های گشاد و فراگیر خویش را به خود نزدیک سازند، این کار برای این که شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار دیگران قرار نگیرند سزاوارتر است و خداوند آمرزنده و مهربان است».

و این بیانگر آن است که زن آن چنان باید مراقب جامه خود باشد و آن را به خود گیرد

که به دیگران نشان دهد که او اهل عفاف و حفاظ است و از این طریق ناپاکدلان را مأیوس می‌سازد و بدین وسیله اعلام می‌کند که او از زنان نجیب و پاکدامن و عقیف می‌باشد و بیمار دلان باید از او چشم‌پوشی کنند. گفتنی است که این آیه مانند آیه ۳۱ سوره نور حدود حجاب را بیان نمی‌کند بلکه به فلسفه حجاب می‌پردازد و به نوعی مکمل بحث حجاب در آن سوره می‌باشد.

نکته قابل توجه در این است که علاوه بر توصیه رعایت حجاب و در امان ماندن آنها از آزار بد دلان در این آیه، به افراد بیمار دل در جامعه از طریق آیات قبل و بعد نیز تذکرات و بعضاً تهدیداتی صورت می‌گیرد. در آیه ۸۵ این سوره آمده است: «و آنان که مردان و زنان با ایمان را آزار می‌کنند و آن‌هم بدون تقصیر و گناه، بدانند که گناه و تهمت بزرگی را مرتکب شده‌اند».

و در آیه ۶۰ همین سوره آمده است: «البته اگر منافقان و کوردلان و بیمار دلان و آنان که بر علیه دین اسلام و دستورات آن توطئه می‌کنند و جامعه را مضطرب و هراسان می‌سازند، ما تو را ای پیامبر بر علیه آنان برمی‌انگیزانیم و پس از آن دیگر جز اندک زنانی در مدینه در جوار تو زیست نتوانند کرد».

نتیجه آن که علاوه بر توصیه و سفارش اسلام به زنان در جهت محافظت از حریم و عفاف و شخصیت خود، تهدیداتی برای افراد بیمار دل و مزاحمان همیشگی در جامعه صورت گرفته است. در واقع خداوند در این آیه دیواری از صیانت و کراهت به اطراف زن مسلمان می‌کشد تا در محدوده بزرگواری و کبریائی باقی بماند و به همین دلیل به پیامبرش فرمان می‌دهد که زنان مسلمان را توصیه کند تا پیکر خود را با «جلباب» هایشان بپوشانند. یعنی پوشش‌های فراخ و گشادی بر خویشان بنهند تا به خود نگهداری و تقوا و عفت شناخته شوند و با اعمال زشت و ناپسند دیگران مورد آزار قرار نگیرند و زندگی شیرینشان با نگاه‌های بی‌شرمانه و گستاخانه تلخ نگردد و سخنان زشت و نامناسب متوجه آنان نگردد. واجب است که ظاهر یک مسلمان بانقوا بیانگر باطن او باشد و ایمان و تقوایش از طرز لباس پوشیدن او هویدا باشد، همان گونه که از سخنان و اعمالش نمایان می‌شود. باید ایمان در سراسر کردار و رفتارش تجلی یابد و پرتو افشانی کند و به سبب اجرای دستورات

قرآن قطعاً از اهل قرآن به شمار آید که در این صورت مؤمنان به او احترام گذارند و فاسقان و تبهکاران آزارش ندهند.^۶

در فرهنگ اسلامی زن مسلمان علاوه بر این که معلم و پیام آور رأفت و عاطفه در جامعه اسلامی است نقش بسیار مهمی نیز در شکل گیری فرهنگ جامعه دارد و به خاطر این ویژگی که در زنان است و آنها سمبل رحم و شفقت و رأفت و عاطفه در خانواده و جامعه اند. خداوند نیز به آنها مهربان تر از مردان است؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «خداوند متعال به زنان مهربانتر از مردان است». ^۷ زن به عنوان مربی و تربیت کننده فرزندان نقش به سزایی در شکل گیری فرهنگ خانواده و جامعه دارد و این نقش مؤثر او قابل انکار نیست. امام صادق (ع) می فرماید: «بیشترین خوبی در زنان است». ^۸ پیامبر اکرم (ص) در حدیثی بسیار زیبا و دلنشین سه ویژگی مهم را برای زنان نام می برد. چنانچه اگر زنی این ویژگی ها را داشته باشد از بهترین زنان خواهد بود: «از بهترین زنان شما آن زنی است که بسیار با محبت و با حجاب کامل و این که نزد خانواده اش محترم و با شخصیت باشد». ^۹ این حدیث به معرفی بهترین الگو برای زنان مسلمان پرداخته است و آن زنی است که از عاطفه خدادادی در محیط خانواده و در جامعه به نحو مطلوب استفاده نماید و حجاب اسلامی را در جهت حفظ سلامت خود و جامعه به کار گیرد و در نهایت با پیروی از دستورات دین مبین اسلام از شخصیت والای اسلامی برخوردار گردد. بنابراین توصیه اسلام به زنان خارج نشدن از خانه نیست بلکه آنچه توصیه شده این است که جواز حضور آنها در جامعه رعایت دستورات اسلامی و حفظ حریم عفاف و حجاب می باشد. چنانکه درباره همسانی زن و مرد در انجام امور سیاسی و عبادی و اجتماعی در قرآن کریم چنین آمده است: «و مردان و زنان مؤمن پشتیبان یک دیگرند، به کار نیک فرمان می دهند و از کار ناشایست باز می دارند و نماز را به پای دارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمانبرداری می کنند. بی تردید خدا اینان را رحمت خواهد کرد» (التوبه، ۹/۷۱). و اما درباره رفتار شایسته مردان با زنان که خود می تواند تشویقی برای بانوان در انجام فرائض دینی باشد روایاتی وجود دارد. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «با زنان خوش گفتار باشید تا آنان نیز خوش رفتار شوند». ^{۱۰} و حضرت امام صادق (ع) می فرماید: «تا

آنجا که می‌توانید به زنان خوبی کنید و خوبی را در حق آنان افزایش دهید». ۱۱

مرد بودن و یا زن بودن از دیدگاه قرآن کریم هرگز به تنهایی به عنوان یک ارزش و برتری مطرح نمی‌باشد آنچه می‌تواند صاحب ارزش و برتری شود نفس و جان آدمی است که در زن و مرد به عنوان گوهر واحدی نهاده شده است: «ای مردم در برابر پروردگارتان تقوا پیشه کنید. آن خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و جفتش را نیز از همان آفرید» (النساء، ۱/۴).

بنابراین هیچ یک از زن و مرد نسبت به دیگری برتری ندارد و هر دو برای پیشرفت جامعه و نیل به اهداف والا به نوعی مسئولیت دارند. این طور نیست که فقط زنان عهده‌دار حفظ حجاب و عفت عمومی در جامعه باشند، بلکه مردان نیز در آن سهیم‌اند. قرآن کریم در مقام بیان قوه جاذبه میان زن و مرد و معرفی الگوی عفاف هم از مرد تمثیل می‌آورد و هم از زن، و آنها را به عنوان دو الگویی که جانب عفاف و حیا را رعایت می‌کنند، معرفی می‌کند. حضرت یوسف^(ع) و حضرت مریم^(س) دو تمثیل از مرد و زنی که حریم عفت را رعایت کرده‌اند در قرآن مطرح می‌شوند. هم یوسف^(ع) مورد آزمایش قرار می‌گیرد و هم حضرت مریم^(س) امتحان می‌شود. یوسف صدیق^(ع) در مقابل اهتمام آن زن مصری مرتکب حرام نمی‌شود. (یوسف، ۱۲/۲۴) حضرت مریم^(س) نیز با مشاهده آن فرشته که به صورت بشر درآمده است نهی از منکر می‌کند و می‌گوید: «اگر تو باتقوایی دست به این کار نزن». (مریم، ۱۸/۱۹)

از دیدگاه قرآن زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم. حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند. حجاب زن حق الهی است همه این‌ها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود چون حرمت زن و حیثیت او به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد، اگر در جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند به همان فساد مبتلا می‌شوند که در غرب ظهور کرده است. جامعه‌ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادرها هستند، چه بخواهیم چه نخواهیم، چه بدانیم چه ندانیم، اصول خانواده درس رافت و رقت می‌دهد و رافت و رقت

در همه مسایل کارساز است. بنابراین در هر بخش و هر بعدی از ابعاد برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست. منتهی باید اندیشه‌ها قرآن‌گونه باشد. یعنی: همان‌گونه که قرآن بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع نموده است ما نیز در نظام اسلامی بین کمال و حجاب جمع کنیم. قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید: حجاب عبارت است از احترام‌گذاشتن و حرمت‌قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند.^{۱۲}

بنابراین دامنه مسأله و فلسفه آن فراتر از مسائل انفرادی و شخصی است بلکه ارتباط مستقیم با خانواده و جامعه و نظام دینی دارد.

حدود و کیفیت حجاب اسلامی

در اسلام حدود حجاب برای زنان و نحوه رعایت عفت و پاکدامنی برای مردان و زنان تعیین شده است برای حجاب شکل خاص و یا رنگ خاص تعیین نشده است و نوع و رنگ آن بنا به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی و سنت‌های رایج ملی و مقتضیات زمانی و مکانی در جامعه تعیین می‌شود. با توجه به آیات مربوط به پوشش زنان آنچه مسلم است این است که بانوان باید پوشش داشته باشند و برجستگی‌ها و مفاتن بدن را پنهان کنند و تحریک‌کننده و اغواگر نباشند. آنها علاوه بر اینکه مانند مردان باید تقوای نگاه را رعایت کنند و از نگاه‌های خیره و موشکافانه و تحریک‌پذیر بپرهیزند و رعایت عفت و پاکدامنی را پیشه کنند لازم است موهای سر و زینت‌ها و مفاتن خود را به واسطه «خمار» سرانداز-پوشانند و از «جلباب» لباس گشاد-استفاده نمایند و از تبرج و خودآرایی و جلوه‌گری در جامعه خودداری کنند. در هر حال حجاب و پوشش اسلامی امری است که در اسلام و قرآن و سنت مورد توجه جدی قرار گرفته و توصیه خدا و پیامبر (ص) و امامان (ع) است و برای ما مسلمانان الگویی برتر و بالاتر از آنها وجود ندارد که با پیروی از آنها و الگوپذیری از این بزرگواران است که سعادت حقیقی جامعه و افراد آن محقق می‌شود. امام صادق (ع) در پرهیز زنان از پوشش نامناسب به هنگام حضور در جامعه چنین می‌فرماید: «برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری و مقنعه‌ای به سر زند و لباس‌هایی به تن کند که چیزی

از (سر و بدن) او را نپوشاند». ۱۳

در تأیید این دستور حضرت پیامبر (ص) می فرمایند: «برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه لباسش را جمع و فشرده و تنگ کند». ۱۴

حال برای تعیین حدود حجاب و کیفیت آن به بررسی آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور پرداخته می شود. مفاد این دو آیه چنین است: ۱. هر مسلمان چه مرد و چه زن باید از چشم چرانی و نظربازی اجتناب کند. ۲. مسلمان خواه زن یا مرد باید پاکدامن باشد. ۳. زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند. ۴. دو استثناء برای لزوم پوشش زن ذکر شده که یکی با جمله «وزینت های خود را جز آنچه که ظاهر است آشکار نسازند» بیان شده است که دستور پوشش آن نسبت به عموم مردان است و دیگری با جمله «وزینت های خود را آشکار نسازند مگر برای همسران یا پدران همسران یا...» ذکر شده است که نداشتن پوشش را نسبت به عده خاصی تجویز می کند. مفاد این دستور این است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند. سپس دو استثناء برای این وظیفه ذکر شده است؛ استثناء اول زینت هایی است که آشکار است. حال این پرسش پیش می آید که زینت آشکار زن کدام است؟ روایات متعدد و بی شماری در این باره وجود دارد و مضمون بیشتر آنها این است که برای زن پوشانیدن چهره و دست ها تا مچ واجب نیست. حتی آشکار بودن عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد نظیر سرمه و خضاب که معمولاً زن از آنها خالی نیست. بعد از این استثناء چنین آمده است: «زنان باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش قرار دهند». البته روسری در این جمله خصوصیتی ندارد، مقصود پوشاندن سر و گردن و گریبان با آن روسری است و استثنای دوم: زینت هایی است که آشکار نمودن آنها برای شوهران، پدران، پدر شوهران، پسر، پسر شوهران، برادران، برادرزادگان، خواهرزادگان، زنان، مملوکان مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند و کودکانی که از امور زنان آگاه نیستند، جایز می باشد. چنانچه اشاره شد در استثنای اول: مقداری از زینت را که نمایان بودن آن نسبت به عموم افراد جایز است معین کرد. و در استثنای دوم: اشخاص معین را نام می برد که آشکار نمودن مطلق زینت برای آنان جایز است. سپس در دنباله آیه می فرماید:

«زنان به منظور آشکار ساختن زینت های پنهان خود پای بر زمین نکوبند». از دستور این آیه می توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می گردد حتی استعمال عطرها و آرایش های جالب نظر در چهره ممنوع است. به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد و در پایان این آیات چنین آمده است: «ای مؤمنین همه به سوی خدا بازگشت کنید باشد که رستگار شوید» چنانچه در ابتدای آیات فوق نیز خطاب خداوند به افراد مؤمن می باشد: «ای کسانی که ایمان آورده اید...» و پس از آن دستورات لازم در جهت رعایت عفت عمومی و عفاف خانواده در جامعه هم برای مردان و هم برای زنان مطرح شده است. مفاد آیات فوق می رساند که مسأله وجوب «پوشش» که وظیفه زن است از مسأله «حرمت نظر بر زن» که مربوط به مرد است باید تفکیک شود. اگر در مسأله نظر، قائل به جواز شویم در مسأله پوشش هم باید قائل به عدم وجوب شویم. زیرا بسیار مستبعد است که نظر مرد بر وجه و کفین زن جائز باشد ولی کشف وجه و کفین بر زن حرام باشد. در مسأله جواز نظر تردیدی نیست که اگر نظر از روی «تلذذ» یا «ریبه» باشد حرام است. تلذذ، یعنی: لذت بردن، و نگاه از روی تلذذ، یعنی: نگاه به قصد لذت بردن. و اما ریبه یعنی: نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نباشد، ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزش به دنبال نگاه کردن به وجود آید. این دو نظر مطلقاً حرام است، حتی در مورد محارم. ۱۵

یک استثنای دیگر درباره پوشش زنان در پایان سوره نور آمده است: «زنان بازنشسته و از پافتاده ای که امید ازدواج ندارند باکی نیست که در صورت نیاراستن خود به زینت و زیور به قصد خودنمایی نداشتن می توانند لباس (گشاد) خود را بر زمین نهند و اگر جانب عفاف را رعایت کنند و خود را پوشیده دارند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است» (النور، ۶۱/۲۴)؛ زنانی که بر اثر کهولت توان ازدواج ندارند لباس رویی خود را بردارند به بیان دیگر از آنجایی که با مشاهده این گونه زنان احتمال تلذذ و یا ریبه بر مردان نمی رود و زمینه تحریک قوای شهوانی و ترویج فساد برای آنها وجود ندارد و در واقع آنها نقشی در آلوده کردن و به گناه افتادن خود و دیگران را ندارند و از این رو می توانند جامه گشاد رویی

خود را به هنگام حضور در بیرون از خانه بردارند. البته بنا به توصیه آیه فوق حتی اگر این زنان سالخورده نیز جانب عفت و عفاف را پیشه کنند شایسته تر است. برداشت دیگر از این آیه این است که رعایت حجاب در سنین غیر سالخوردگی به سبب وجود ویژگی های خاص جسمانی و رفتاری زنان و بهره مند بودن آنها از نعمت جمال و زیبایی در آن سنین است که اگر این زنان زینت ها و مفاتن خود را در انظار عمومی نپوشانند، هر آینه احتمال به فساد کشیده شدن خود و دیگران در جامعه وجود دارد. از این رو زنان مسلمان باید آن چنان در میان مردم آمد و رفت کنند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آنها هویدا باشد و با این وصف شناخته شوند. نکته جالب توجه دیگر در این است که خداوند متعال در میان آیه در رابطه با ساده پوشی زنان سالخورده این گونه توصیه می کند: «در حالی که آنها(خود را) با انواع زینت ها خودآرایی نکنند» و پیامش این است که آراستن زنان به انواع زینت ها چه از لحاظ آرایش و چه از نظر لباس های مزین شده و چه از لحاظ عطرها و تند و انواع زیورآلات نوعی تبرج و خودآرایی به شمار می آید که در دین اسلام نهی شده است و در این باره در آیه ۳۳ سوره احزاب نیز خطاب به زنان پیامبر (ص) چنین آمده است: «و مانند تبرج و خودآرایی دوره جاهلیت پیشین تبرج و خودآرایی نکنید». «تبرج» عبارت از خودآرایی و نمایان کردن زیبایی های صورت و اندام و اجزای تحریک کننده در بدن است و چون خداوند از ضعف و ناتوانی انسان در برابر این مسأله و جلب توجه سریع جنس مخالف نسبت به آن آگاه است، زنان را از تبرج و خودنمایی نهی فرموده است و چون این نوع ویژگی های جسمانی و رفتاری موهبتی است که بر زنان ارزانی شده، لذا خداوند با نهی کردن آنها از آشکار کردن این زیبایی ها به هنگام روبرو شدن با مردان بیگانه تدبیری حکیمانه برای نجات جامعه اندیشیده است. در واقع خالق یکتا و حکیم انسان ها برای حفظ و صیانت جامعه از زیان های ناشی از بی عفتی و نیز برای به تباهی کشیده نشدن جامعه و سقوط اخلاقی آن و نیز برای تحریک نشدن مردان نامحرم و دورماندن آنها از فساد و انحراف چنین دستوراتی را فرموده است.

نتیجه آن که مردان و زنان باید از عواملی که موجب شعله ور ساختن شهوات آنها می شود به شدت برحذر باشند. آنها نباید غافل شوند و گمان کنند که بی حجابی و یا

آرایش و خودآرایی زنان و نیز نگاه کردن مردان به قصد کامجویی می‌تواند یک امر عادی شود و در اخلاق جامعه هیچ تأثیری نگذارد و شهوت‌های خفته را بیدار نکند. اگر اندکی به حقایق و واقعیت‌ها بنگرند و در این باره بیندیشند، حتماً درمی‌یابند که این پنداری خطا و نادرست است. چرا که مرد، مرد است و زن، زن است. جاذبه میان مرد و زن یک جاذبه فطری است که تغییر نمی‌پذیرد. از این رو برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و موفق باید دستورات الهی را اطاعت کرده و با جان و دل به انجام آنها پایبند باشند. اگر انسان‌ها صلاح خویش را نمی‌دانند، خداوند که آفریننده آنهاست صلاح و مصلحت آنها را بهتر می‌داند و اگر احکامی را برای انسان‌ها صادر می‌کند صرفاً به نفع آنها می‌باشد. و رعایت حجاب و پوشش اسلامی و حفظ عفاف عمومی نمونه‌ای از این احکام است.

-
۱. البقرة، ۲/۲۲۱؛ النساء، ۷/۴ و ۳۲؛ التوبة، ۷۱/۹ - ۸. وسائل الشیعه، ۲۴/۲۰.
۲. ر. ک: رواشناسی عمومی «گنجی»؛ حریم عفاف؛ مسأله حجاب «شهید مطهری»؛ آنچه که یک زن باید بداند «محمدی نیا»؛ حجاب در اسلام «وشنوی».
۳. ر. ک: مسأله حجاب/۸۲-۹۵.
۴. غررالحکم و درر الکلم، ۱/۴۵۴.
۵. وسائل الشیعه، ۱۴/۱۳۸.
۶. خودآرایی زن از دیدگاه قرآن/۳۴-۳۳.
۷. الکافی، ۶/۶.
۹. مکارم الاخلاق/۲۰۰.
۱۰. بحارالأنوار، ۱۰۳/۲۲۳.
۱۱. مکارم الاخلاق/۱۹۷.
۱۲. ر. ک: زن در آینه جلال و جمال/۱۴۴-۱۴۷ و ۴۳۷-۴۳۸.
۱۳. مکارم الاخلاق/۹۳.
۱۴. الکافی، ۵/۵۱۹.
۱۵. ر. ک: مسأله حجاب/۱۴۵-۱۸۲.